

فردا

در عمق آسمان رنگی هست

در هجوم ابر آهنگی

و در دیوار مقابل سنگی

به پهنای آنچه تو می توانی بینی

فردا

مردم از پنجره غریب زمان خواهند گذشت

جدال بی پایان ما را نظاره گر نباش .

نقاش حنجره های کف آلود خویشیم

در وقت گم شده ، باقی

ما تخم مرگ را در جامانده های خویش به دوش می کشیم

اما تو

مطالبات و درد مردم را

اندیشه خویش کرده ای

هوا بیدار است

فضا بیدار است

زمین بیدار است

و تو بیداری

همچنان که روز

همچنان که فضا

همچنان که زمین .

این را نمی گویم که بگذری

نمی گویم که فقط فریاد باشی و بس

می نویسم تا بدانی

تا بیاندیشی

اینک که همین پنجره غریب زمان

مرا به دوردست ها می کشاند

تصویر تو را در خود نمی بینم

عجب ساز و برگی داری

در دستهای خالی فریاد

بالهای پر بار اندیشه

و قدرت بی بدیل حضور .

در دیوار مقابل سنگی است

فرو خواهد ریخت .

داریوش لعل ریاحی

۲۱ بهمن ۱۳۸۸

Dir1266@hotmail.com